

.....
خندان لزرجانی، سکینه، (ترگس خندان). -
ماه ماهی می شود ماهی حباب / پدیدآور: سکینه خندان لزرجانی (ترگس
خندان). - قم: گنج عرفان؛ [ناشرین همکار] ابتکار دانش؛ قلم مکتون؛ یاران قلم،
۱۳۹۰.

ISBN 978-600-6061-12-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
۱. شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه ها. الف. عنوان.

۸ ۶۱ / ۶۲۰۸۳

خ ۲ / م ۲۱۹۰ / PIR
۱۳۹۰



● ماه ماهی می شود ماهی حباب

■ سکینه خندان لزرجانی (ترگس خندان)

□ ناشر: گنج عرفان

□ ناشرین همکار: ابتکار دانش، یاران قلم، قلم مکتون

□ ناظر چاپ: مسعود حبیب الهی

□ چاپ: ذاکر

□ نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

□ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

□ قیمت: ۲۸۰۰ تومان

□ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۶۱-۱۲-۲

مراکز پخش:

تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۶۵۳۹۲

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۰۱۳۱

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۰۳۸۴

تلفن: ۰۳۶۱-۴۴۴۴۶۲۵

تهران: انقلاب، جمالزاده جنوبی، پلاک ۱۴۴، واحد ۸

تهران: انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، خانه شاعران ایران

قسم: خیابان صفاییه، بین کوچه ۱۹ و ۲۱، نشر گنج عرفان

کاشان: خیابان شهید رجایی، پاساژ امیرکبیر، طبقه پایین، فروشگاه ادبستان

WWW . Ketabeparsi.com & Email: Ganje.erfan@yahoo.com

کلیه ی حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

ماه ماهی می شود

ماهی حباب

سکینه خندان لزر جانی

(نرگس خندان)

فهرست اشعار

۹	 مقدمه
۱۵	 ماه ماهی می شود ماهی حباب
۱۷	 ریل های موازی
۱۹	 از غرش پیراهن من ترسیدی
۲۱	 خودکار
۲۳	 دارم الهام می شوم بر شعر
۲۵	 و سوختم به جای تو
۲۷	 هوای گیج
۳۰	 تا پای کشتن دل سرباز بی نهایت
۳۲	 گلوی صبح
۳۴	 از چشم های تو
۳۵	 اقیانوس
۳۷	 شعله های سبز
۳۹	 باید برای آب چشیدن شتاب کرد



۴۳	 دشت شیشه
۴۵	 آهوی دل
۴۷	 صبور فاصله‌ها
۴۹	 کوچه‌های تنگ‌نظر
۵۱	 عطش سرخ در گلوی کویر
۵۳	 بی صدا
۵۵	 حلقه‌ی دور نگاهت
۵۷	 بال عروج
۶۰	 از نفس صبح خبر می‌رسد
۶۸	 طعم توهم
۷۰	 آبشار ذهن
۷۲	 رویش باران
۷۴	 اسب تمنا
۷۶	 طلوع پیرهن
۷۹	 اعجاز شعر
۸۱	 فالوده‌ی سردی مهمان چشمانت
۸۳	 شعله‌های ممتد دریا
۸۵	 باغ تماشا
۸۷	 بانوی آب
۸۹	 اسفندهای گم شده



نیایش باران	۹۱
● رباعی‌ها	۹۳
یک جرعه عطش	۹۳
عکس ستاره‌ها	۹۳
تلسکوپ دل	۹۴
طلوع دوباره	۹۴
● دوبیتی‌ها	۹۵
قفل سکوت	۹۵
نفس‌های ولرم	۹۵
شور هستی	۹۶
کهکشان اشک	۹۶
دلم را با تو قسمت کرده بودم	۹۷
● سپیدها	۹۸
حتی پرده‌های اتاقم را خوردم	۹۸
اشک‌های سرد	۹۹
می‌ترسم پرنده شوم	۱۰۰
بوق اشغال	۱۰۲



به نام خدا

بیا قفل سکوت سرد شب را
به نام نامی خورشید واکن
فلسفه‌ی مقدمه نوشتن بر یک اثر چیز تازه‌ای نیست هم می‌تواند تاییدی
بر حضور حرفه‌ای اثر بوده و هم این که می‌تواند نقطه‌ای بر مرحله‌ی گذار و
تعیین خط هنرمند باشد که به گمانم نرگس خندان از این جا و از این
مجموعه به سمت شخصیت مستقل تر و قوی تری در شعر گام خواهد
برداشت که نشانه‌هایش در آثار زیبای آخرینش به چشم می‌خورد. به
واسطه‌ی این که بخشی از آثار این مجموعه در حوزه‌ی غزل پیشرو اتفاق
می‌افتد نمی‌توانم بگویم همین دیروز بود که چون لااقل نزدیک به
یک و نیم دهه از آغاز حرکت جدی غزل پیشرو می‌گذرد که امروز به جرات
می‌توانم ادعا کنم نه این که من از پیشروان آن یا تقویریین غزل پیشرو
بوده‌ام بلکه گواه جامعه‌ی حرفه‌ای ادبیات و جامعه‌ی مطبوعاتی و عمومی
شعر این ادعا را تایید می‌کند که جریان غالب غزل امروز غزلی است که در
کل آن را می‌توان غزل پیشرو نامید و به نوعی به ژانرهای زیر مجموعه
تقسیم کرد که هرکس بعد از این که همه‌ی کارها انجام شد به سهم خود



نامی بر آن نهاد که چون معما حل شود آسان شود اما به گمانم نام‌گذاری نجات دهنده نخواهد بود. بعضی سعی در حضور نئوکلاسیک تغزل در آثارشان دارند. بعضی فقط به فکر گسترش حیطه‌ی واژگانی صرف هستند یا ورود کلام محاوره به ساحت زبان رسمی و معیار غزل و دیگرانی هم سعی در به تعطیلی کشاندن موسیقی و پایین آوردن سرعت ریتم دارند بعضی‌ها به روایت‌های چند مرکزی جریان سیال ذهن و... خلاصه هر کس به نوعی البته اگر قرار باشد همه یک حرف بزنند یا یک جور ببینند یا اگر مثلاً روزی شاعران بر سیاست‌مداران پیروز شوند، دنیا گلستان می‌شود و وقتی زخم و درد و فاصله‌ای نباشد شعر به پایان می‌رسد اما به هر جهت جای سوال این است که چرا جریانی که به این حد از گسترش رسیده و خیلی از غزل‌سرایان حتی بدون این که بدانند جریان از کجا و با چه کسانی آمده شکل گرفته و تثبیت شده این شیوه را استفاده می‌کنند ظرف این دهه هیچ چهره‌ی واقعا حرفه‌ای به جریان رسمی ادبیات ما معرفی نکرده که البته می‌تواند آسیب‌شناسی شود و ما کماکان منتظر آن تک‌ستاره‌ها هستیم هرچند تلاش تمامی سیاهی‌لشکرها و سپهسالاران امروز هم قابل احترام است تمام این تلاش‌ها و تکنیک‌ها در پایان دهه‌ی هفتاد به نحو کامل‌تری پرونده‌اش بسته شده است می‌توانید به آثار "مردبی‌مورد"، "چهریک‌های جوان" و "کلاویای شکسته" رجوع کنید.

همه‌ی این‌ها به مناسبت یادداشتی بر این مجموعه‌ی محترم است با نامی زیبا که خود نامش شعر است. شعری در یک جابه‌جایی و



تقارن متناسب که علی‌رغم این که یک مصرع است مانند یک ترازو عمل می‌کند و نقطه‌ی ثقلش ماهی است یک اتوماتیسم ذهنی و خودکار. البته باید بگوییم اعتقاد داریم عدم موفقیت خیلی از آثار هنری در پشت دلیل ساده‌ی عدم انتخاب اسم خوب خوابیده است کما این که باید ویتترین را همیشه جذاب و خلاصه تدارک دید هرچند شاید من این اسم را بر مجموعه‌ی خودم نگذارم ولی قابل توجه است و قابل توجه است که افراط و تفریطی چه به لحاظ زبان و تکنیک و تصویر و غیره در آثار او نمی‌بینیم. این مجموعه بیش از آن که آیتم‌های زبانی و فنی به خصوصی داشته باشد تداعی کننده‌ی این است که شاعر با شعر راحت برخورد کرده و با حدود حداقل آثار یک دهه‌ای در این مجموعه با توجه به انواع قوالبی که استفاده کرده بیان‌گر این است که هرچقدر راحتی شعر من من تو را در همان قالب می‌ریزم و خود را مجاب به استفاده حتماً غزل نکرده که البته بسیار هم می‌تواند مثبت باشد استفاده از قوالب عمداً غزل، مثنوی، رباعی و حتی در آخر شعر سپید که نوعی برخورد همگرا است و دموکراسی در قوالب در این مجموعه به اجرا درآمده است اما مساله‌ی دیگر این است که زبان تا اندازه‌ای گیج است و این مساله‌ای است که با هر جور راحتی قالب فرق می‌کند و از شاعری با سابقه انتظار بیش‌تری می‌رود نه که زبان گیج است بلکه رویکردها و نوع استفاده از ساختارهای افقی یا عمودی بر حسب استقلال ابیات یا تکنیک‌های مدرج کلمه یا جمله که البته در این‌جا فقط مدرج جمله اتفاق افتاده است.



شاید می‌خواهم بگویم که شاعر سخت نگرفته و شناسنامه‌ی روشنی برای آثارش دست و پا نکرده یعنی نام‌خانوادگی دارندولی روی آن‌ها نام کوچکی نگذاشته است. می‌شود گفت که در این مجموعه صدافتی به چشم می‌خورد که می‌تواند هم برای مخاطب و هم شعر و هم جهان شاعر که دغدغه‌ی انسان، معنویت، تنهایی و موعود را دارد بسیار ارج‌مند باشد کما این که بخش عمده‌ای از رسالت شعر هم نمی‌تواند جز این باشد. شعر نرگس خندان علی‌رغم این که در بعضی از آثارش پیچیدگی ظاهری به چشم می‌خورد، شعر ساده‌ای است البته نه کم‌عمق که به واقع شعر آرامی است و شاید از این تفکر من که شعر باید مثل نارنجک زیر پای مخاطبش منفجر شود تاحدی فاصله دارد.

مزیتی در آثار مذهبی او به چشم می‌خورد که کم‌تر به شعار نزدیک شده و شاید در جاهایی هم فاصله‌ی تاریخی را برداشته است و البته جاهایی هم به وضعیت امروز جهان اشاره‌هایی دارد به جغرافیاهای سیاسی و مذهبی مختلف که از دغدغه‌های اصلی من است. آثار صاحب شخصیت هم در این مجموعه کم نیستندولی هرکدام یا هر چندتای آن‌ها به یک ژانر مرتبط است بعضی از آثار آدم را به آثار چاپ شده در مجله‌ی جوانان نیمه‌ی اول دهه‌ی هفتاد می‌برد، بعضی هم شاید قدیم‌تر و بعضی هم آیتم‌های غزل پیشروی امروزی را دربردارند. پاسخ و دلیل خیلی از گفته‌های خودم در این متن را می‌توان این دانست که شاعر باتوجه به این که این کتاب اولین مجموعه‌اش بوده سعی کرده گزیده‌ای از دوره‌های



ماه ماهی می‌شود، ماهی حباب □ ۱۳

مختلف شاعری اش را انتخاب کند که قاعدتا با توجه به فاصله‌ی زمانی
ارایه‌ی شناسنامه‌ای منسجم برای هر شاعری سخت می‌نماید. البته مهم
این است که او شاعر است و شاعری کرده است.

با تقدیم بهترین آرزوها برای او

هادی خوانساری

۲۱/ بهمن/ ۱۳۸۹

